

مقدمه ناشر

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«اطلبوا العلم و لو بالصین»

«علم را بیاموزید حتی اگر در چین باشد.»

می‌دونستید کتاب‌های کلی از دانشمندا مثل ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی

و زکریای رازی به زبان عربی نوشته شده؟

مثلاً کتاب خفن ابوعلی سینا، یعنی «قانون» که تا سال‌های زیادی اساس

تعلیم طب در همهٔ دانشگاه‌های پزشکی اروپا بوده و حتی اروپایی‌ها هم

مجبور بودن عربی یاد بگیرن تا ازش استفاده کنن و توی دانشگاه‌ها

تدریسش کنن ...

اصلاً می‌دونستید که یادگرفتن عربی چه قدر به شما در فهم متون و اشعار

فارسی کمک می‌کنه؟ به همین خاطر عربی رو باید یاد بگیریم حتی اگر

در چین باشه!

ممونیم از استاد مرادیان گرامی و تیم محتوای خیلی‌سبز که برای

موفقیت سریع تو امتحانات، این کتاب خوب را در اختیار ما گذاشتند.

مقدمه مؤلف

لذت یادگیری زبان عربی را با یک کتاب کم‌حجم و با محتوای عالی تجربه کنید.

این کتاب از بخش‌های مروری بر قواعد گذشته (مربوط به سال‌های قبل)، لغت‌های پرتکرار، واژه‌های جدید متن درس و تمرین‌ها، مترادف و متضاد و جمع‌های مکسر، ترجمه عبارات مهم، قواعد و نمونه سؤال امتحانی تشکیل شده است. در بخش واژه‌نامه، واژه‌های سطر به سطر کتاب درسی همراه با توضیحی مختصر برای کلمات مهم آورده شده است. از آن‌جا که مهم‌ترین واژه‌های زبان عربی، فعل‌ها هستند، موشکافانه آن‌ها را بررسی کرده و از شکل ماضی، مضارع و مصدر آن‌ها سخن گفته‌ایم.

مترادف‌ها، متضادها و جمع‌های مکسر، بخش جدایی‌ناپذیر واژگان‌اند که در قسمتی جداگانه به آن‌ها پرداخته‌ایم.

عباراتی که برای ترجمه انتخاب شده‌اند، شما را با کاربرد واژه‌ها آشنا کرده و بر جملات مهم هر درس تأکید دارند.

بخش قواعد در نوع خود بی‌نظیر است و هر آن‌چه برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های قواعد آزمون‌های تشریحی و نهایی به آن‌ها نیاز دارید، در این قسمت جمع شده است. برای این‌که خود را محک زده باشید و کاربرد مطالب گفته‌شده در کتاب را عملاً ببینید، نمونه سؤالاتی متناسب با

قواعد گفته‌شده و در پایان هر مبحث آورده شده است. علاوه بر نمونه سؤال‌های امتحانی در پایان هر درس، نمونه سؤال دی‌ماه و خردادماه را جهت آمادگی شما عزیزان آورده‌ایم.

ناگفته نماند بخشی را در پایان به مبحث درک مطلب اختصاص داده‌ایم که با ذکر نکات مهم، راهنمایی جهت پاسخگویی به این دست سؤالات در امتحان نهایی خواهد بود.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات همه همکارانم در واحد تألیف، ویراستاری و تولید انتشارات خیلی سبز تشکر کنم.

به امید موفقیت روزافزون شما دانش‌آموزان عزیز.

BOOK BANK

پاینده باشید.
شاهو مرادیان

فهرست مطالب

- ۷ ————— مروری بر قواعد گذشته
- ۱۷ ————— لغت‌های پرتکرار
- ۳۱ ————— اَلدِّينُ وَ التَّدْيِینُ ... اَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ
- ۴۹ ————— مَكَّةُ الْمَكْرَمَةُ وَ الْمَدِيْنَةُ الْمُنَوَّرَةُ ... اَلدَّرْسُ الثَّانِي
- ۶۷ ————— اَلْكَتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ ... اَلدَّرْسُ الثَّلَاثُ
- ۸۱ ————— اَلْفَرَزْدَقُ ... اَلدَّرْسُ الرَّابِعُ
- ۹۹ ————— درک مطلب
- ۱۰۳ ————— آزمون‌ها
- ۱۲۲ ————— پاسخ‌نامه تشریحی


مروری بر قواعد گذشته



انواع کلمه

سه نوع کلمه در عربی داریم: اسم - فعل - حرف.

اسم از نظر جنس: مذکر - مؤنث


نشانه اسم مؤنث: تاء گرد (ة)  مثال شجرة - حديقة

اسم از نظر تعداد: مفرد - مثنی - جمع

انواع جمع


سالم و مکسر (تکسیر)

علامت اسم مفرد: اسم مفرد نشانه ندارد و به یک اسم مفرد اشاره می کند.

 مثال الكتاب، الرجل

BOOK BANK

علامت اسم مثنی: ان - ين

 مثال طالبان - طالبین (دو دانش آموز)

نافذتان - نافذتین (دو پنجره)

جمع سالم جمعی است که اگر علامت جمع آن را برداریم شکل مفرد


کلمه باقی بماند.

• **انواع جمع سالم** • جمع مذکر سالم - جمع مؤنث سالم

علامت جمع مذکر سالم: ون - ين  مثال مُدَرِّسُونَ - مُدَرِّسِينَ (معلمها)

علامت جمع مؤنث سالم: ات  مثال تلميذات (دانش آموزان)

جمع مکسر (تکسیر) نشانه ای ندارد.

 مثال مَسَاجِد - كُتُب - عُلُوم

مصدر: إِسْتَرَاءُ)	إذا: هرگاه، اگر
إِسْتَقْلَلْ: کار کرد (مضارع: يَسْتَقِلُّ /	الآراء: نظرات (مفرد: الرَّأْيِ)
مصدر: اسْتِغَالَ)	أراد: خواست (مضارع: يُرِيدُ)
الأَسَدُ: سخت تر (اسم تفضیل)	الأَرْبَعاء: چهارشنبه
أَصْبَحَ: شد (مضارع: يُصْبِحُ)	أُرْسِلُ: فرستاد (مضارع: يُرْسِلُ /
إِصْطَدَمَ: برخورد کرد (مضارع:	مصدر: إرسال)
يَصْطَدِمُ / مصدر: إِصْطِدَام)	إِسْتَحْدَمَ: استفاده کرد، به کار گرفت
الأَصْغَرُ: کوچک تر، کوچک ترین	(مضارع: يَسْتَحْدِمُ / مصدر: اسْتِحْدَام)
(اسم تفضیل)	إِسْتَخْرَجَ: استخراج کرد (مضارع:
أَطْعَمَ: غذا داد (مضارع: يُطْعِمُ /	يَسْتَخْرِجُ / مصدر: اسْتِخْرَاج)
مصدر: إطعام)	إِسْتَرْجَعُ: پس گرفت (مضارع: يَسْتَرْجِعُ /
الإِطْلَاقُ: رها کردن (ماضی: أَطْلَقُ /	مصدر: اسْتِرْجَاع)
مضارع: يُطْلِقُ)	إِسْتِطَاعَ: توانست (مضارع: يَسْتِطِيعُ /
أَعَانَ: کمک کرد (مضارع: يُعِينُ /	مصدر: اسْتِطَاعَة)
مصدر: اعانة)	إِسْتَعِينُوا: یاری بجوید (ماضی: اسْتَعَانُ /
إِعْتَمَدَ: تکیه کرد (مضارع: يَعْتمِدُ /	مضارع: يَسْتَعِينُ / مصدر: اسْتِعَانَة)
مصدر: إعتماد)	إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست (مضارع:
أَعْطَى: داد، بخشید (مضارع: يُعْطِي /	يَسْتَعْفِرُ / مصدر: اسْتِغْفَار)
مصدر: إعطاء)	إِسْتَكْبَرُ: تکبر ورزید (مضارع:
الأَعْظَمُ: بزرگ تر، بزرگ ترین (جمع:	يَسْتَكْبِرُ / مصدر: اسْتِكْبَار)
الأَعْظَمِ)	إِسْتَمَعَ: گوش داد (مضارع: يَسْتَمِعُ /
الأَعْلَى: برتر، بالاتر (مؤنث: العلیا /	مصدر: اسْتِماع)
جمع: الأعلون)	الأُسرة: خانواده
الأَعْرَبُ: عجیب تر، عجیب ترین	الأَسْفَلُ: پایین، پایین تر
أَقَامَ: بر پا داشت (مضارع: يَقِيمُ /	إِسْتَدَّتْ: شدت گرفت (مضارع: يَسْتَدُّ)
مصدر: إقامة)	إِسْتَرَى: خرید (مضارع: يَسْتَرِي /

الَّذِينَ وَالتَّائِبِينَ



واژگان

<ul style="list-style-type: none"> السَّيْرَة: روش و کردار، سرگذشت الصَّرَاع: کشمکش، نزاع، درگیری الأصنام: بت‌ها الفأس: تبر الكأس: جام، لیوان كَسَرَ: شکست (مضارع: يَكْسِرُ / مصدر: تَكْسِير) المُكْسِر، المُكْسِرَة: شکسته، شکسته‌شده (اسم مفعول) عَلَّقَ: آویخت، آویزان کرد (مضارع: يُعَلِّقُ / مضارع: تَعْلِيق) الكِتِف، الكِتْف: شانه، دوش بَدؤُوا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ‌پیچ کردند (تَهَامَسَ: پیچ‌پیچ کرد / ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُونَ) حَرَّقَ: سوزاند (مضارع: يُحَرِّقُ) حَرَّقُوا: بسوزانید 	<ul style="list-style-type: none"> أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد (مضارع: يُحْضِرُ / مصدر: إِحْضَار) الحَضَارَات: تمدن‌ها المُحَاضِرَة: سخنرانی أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور أَقَامَ: بر پا کرد (مضارع: يَقِيمُ / مصدر: إِقَامَة) قام: ایستاد (مضارع: يَقُومُ) قام بـ: پرداخت، اقدام کرد، انجام داد (مضارع: يَقُومُ بـ) الحَنِيف: یکتاپرست التَّائِبِينَ: دینداری التَّقْوَى: نگاره‌ها، کنده‌کاری‌ها السَّعَائِر: مراسم، مناسک القَرَابِين: قربانی‌ها التَّجَنَّب: دوری کردن، اجتناب کردن (ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ) السُّدَى: پوچ، بیهوده
--	---

لم یَكُنْ: نبود، نبوده است (ماضی ساده
یا نقلی منفی)

یَوْمَ الْبَعْثِ: روز رستاخیز
الْعَبَثِ: بیهوده، بوج

الْبُنْيَانُ الْمَرْصُوصُ: ساختمان استوار
مَا يَلِي: آن چه می آید
لَا تُحْمَلُ: تحمیل نکن (حَمَلَ: تحمیل کرد / يُحْمَلُ: تحمیل می کند / مصدر: تَحْمِيل)

مُضَارِعٌ: يَنْشُرُحُ
الْبَسْمَاتُ: لبخندها (مفرد: الْبَسْمَةُ)
أَعَانَ: یاری کرد (مضارع: يُعِينُ / امر: أَعِنْ / مصدر: إِعَانَةٌ)

أَعَيْتِي: مرا یاری کن (أَعِنُ + نون وقایه + ی)
أَنْزِرُ: روشن کن، نورانی کن (ماضی: أَنْزَرَ / مضارع: يُنِيرُ / مصدر: إِنْزَارَةٌ)

الْحَضَّ: بخت (جمع: الْحَضُوظُ)
السَّلَامُ: آشتی، صلح
السَّلْمُ: صلح
حَمَى: نگاهداری کرد، حمایت کرد (مضارع: يَحْمِي)

كَانَ: بود (مضارع: يَكُونُ)
كونوا: باشید (كانَ: يكونُ: می باشد)

● واژگان «إِغْلَمُوا»

كَأَنَّ: گویی، مانند، مثل این که، انگار
لَيْتَ: کاش، ای کاش
لَيْتَنِي، یا لَيْتَنِي: ای کاش من (لَيْتَ + «ن» وقایه + ضمیر «ی»)
لَعَلَّ: شاید، امید است
تُعْقِلُونَ: خردورزی می کنید (عَقَلَ: خردورزی کرد)

● واژگان «التمارين»

الدَّارُ: خانه
الطَّيْنِ، الطَّيْنَةَ: گِل
سَوَى: به جز
العَظْمُ: استخوان

اللَّحْمُ: گوشت
المُفْسَدَةُ: مایه تباهی
حُذُوا: بگیرید (فعل امر) (ماضی: أُحِذُ / مضارع: يَأْخُذُ)

لا تَأْخُذُوا: نگیرید (فعل نهی)
الْأَنْشُودَةُ: سرود (جمع: الْأَنْشُودَاتُ)
المُجِيبُ: برآورنده، اجابت کننده (اسم فاعل)
الإِنْشِرَاحُ: شادمانی (إِنْشَرَخَ /

<ul style="list-style-type: none"> ■ يَتَّبِعُ: تعقیب می کند، دنبال می کند (تَبِعَ: تعقیب کرد) ■ يَتَأَكَّدُ: مطمئن می شود (تَأَكَّدَ: مطمئن شد / مصدر: تَأَكَّدُ) ■ الْخِدَاعُ: فریب ■ الْحَرْبُ الْمَفْرُوضَةُ: جنگ تحمیلی 	<ul style="list-style-type: none"> ■ إِحْمِي: از من نگهداری کن (إِحْمٍ + نون و قایه + ي) ■ تَمْتَنِي: آرزو کرد (مضارع: يَتَمْتَنِي / مصدر: تَمْتَنِي) ■ الْمُفْتَرِسُ: درنده (اسم فاعل) ■ الْفَرِيْسَةُ: شکار ■ الْمَكْسُورُ: شکسته (اسم مفعول)
--	---

متضاد

الکبير (بزرگ) ≠ الصَّغِير (کوچک)	القديم (قدیمی) ≠ الحَدِيث (جدید)
رَجَع (برگشت) ≠ ذَهَبَ (رفت)	التَّجَنَّب (دوری) ≠ الإِقْتِرَاب، التَّقَرُّب (نزدیکی)
سَأَلَ (پرسید) ≠ أَجَابَ (جواب داد)	إِزَادَ (زیاد شد) ≠ قَلَّ (کم شد)
الْحَفِي (پوشیده، پنهان) ≠ الظَّاهِر (آشکار)	الغالية (گران) ≠ الرِّخِيصَة (ارزان)
الجَهْل (نادانی) ≠ العِلْم (دانایی)	شَكَرَ (شکر کرد) ≠ كَفَرَ (کفر ورزید)
العداوة (دشمنی) ≠ الصَّدَاقَة (دوستی)	أَحَبَّ (دوست داشت) ≠ كَرِهَ (ناپسند داشت)
أَخَذَ (گرفت) ≠ أَعْطَى (داد)	الجمیل (زیبا) ≠ الکره، القبیح (زشت)
النَّافِع (سودمند) ≠ المَضِرَّ (زیان آور)	الأجْمَل (زیباتر) ≠ الأَفْحَح (زشت تر)
السَّلام (صلح) ≠ الحَرْب (جنگ)	السَّو (بدی) ≠ الحُسْن (خوبی)

السَّلَام، السَّلْم (صلح، آشتی) ≠ النَّزَاع، الصَّرَاع (درگیری)	الْأَسْوَأُ (بدتر) ≠ الْأَحْسَنُ (خوبتر)
بَكِي (گریه کرد) ≠ صَحِكَ (خندید)	الْكَذِب، الْكِذْب (دروغگویی) ≠ الصَّدْق (راستگویی)
الدَّكِي (باهوش) ≠ الْأَحْمَق (نادان)	حَزَنَ (غمگین شد) ≠ فَرِحَ (خوشحال شد)
القُرْب (نزدیکی) ≠ البُغْد (دوری)	حَزَنَ (غمگین کرد) ≠ فَرَحَ، أَفْرَحَ (شاد کرد)
الْأَمَام (مقابل، روبه‌رو) ≠ الْوَرَاء، الْخَلْف (پشت)	قَطَعَ (قطع کرد) ≠ وَصَلَ (وصل کرد)
إِتَّعَدَ (دور شد) ≠ إِقْتَرَبَ (نزدیک شد)	الْأَعْلَى (بالا، بالاتر) ≠ الْأَسْفَل (پایین، پایین‌تر)
	البَاطِل (باطل، بیهوده) ≠ الْحَق (حق)

BOOK BANK

مترادف

أَذْرَكَ = حَصَلَ عَلَيَّ (به دست آورد)	الإهتمام = العِناية = الإلتفات (توجه)
الْفُضْل = العطاء (بخشش)	السَّعَائِر = المَناسِك (مراسم)
جَعَلَ = وَصَعَ (قرار داد)	التَّجَنَّب = الإجتنباب (دوری کردن)
العافية = الصَّحَّة (تندرستی)	حَسِبَ = ظَنَّ (گمان کرد)
الطَّاقَة = الإِسْتِطَاعَة (توانایی)	السُّدَى = الباطل = العَبَث (بیهوده، پوچ)
ذات = الصَّاحِب (دارا)	أَرْسَلَ = بَعَثَ (فرستاد)

الخَفِيّ = المَسْتور (پوشیده)	بَيِّنٌ = أَظْهَرَ (آشکار کرد)
الِدَار = البَيْت (خانه)	الصَّرَاط = السَّبِيل = الطَّرِيق (راه)
أُم = أَوْ (یا)	حَدَّثَ = كَلَّمَ = تَكَلَّمَ (سخن گفت)
سِوَى = إِلَّا (به جز)	الصَّرَاع = النِّزَاع (کشمکش)
الدَّعَوَات = الأَدْعِيَّة (دعاها)	حَاوَلَ = اجْتَهَدَ (تلاش کرد)
الإنْشِرَاح = الفَرَح (شادمانی)	لَمَّا = عِنْدَمَا = حِينَمَا (هنگامی که)
حَمِيٌّ = حَرَسَ = حَفِظَ (حفظ کرد، نگهداری کرد)	شَاهَدَ = رَأَى (دید)
الْبِلَاد = المَدُن (شهرها)	الاسْتِهْزَاء = السُّخْرِيَّة (مسخره کردن)
الْفَرِيْسَة = الصَّيْد (شکار)	نَصَرَ = سَاعَدَ = أَعَانَ (کمک کرد)
العُشُّ = الوُكُوْنَة (لانه)	قَدَفَ = أَلْقَى (انداخت)
بُعْتَةٌ = فِجَاءَةٌ (ناگهان)	الإِرْضَاء = الإِقْنَاع (راضی قانع کردن)

BOOK BANK

جمع مکسر

معنی مفرد	جمع	مفرد
چهره، رو	الوجوه	الوَجْه
ملت	الشُّعوب	الشَّعْب
راه، روش	الطُّرُق، الطَّرَائِق	الطَّرِيقَة
نگاره، کنده کاری	التَّقْوِش	التَّقِش
نقاشی	الرُّسُوم	الرَّسْم
مجسمه، تندیس	التَّمَائِل	التَّمَال

خدا	الآلهة	الإله
قربانی	القربان	القربان
دوران، دوره	العصور	العصر
بت	الأصنام	الصنم
جشن	الأعياد	العيد
شهر	المُدُن	المدينة
تبر	الفؤوس	الفأس
معبد، عبادتگاه	المعابد	المعبد
شانه، دوش	الأكتاف	الكثيف
متن	النصوص	النص
پاداش، مزد	الأجر	الأجر
دوست	الأصدقاء	الصديق
کشور، شهر	البلاد	البلد
راه	السبيل	السبيل
سخن، گفتار	الأقوال	القول
عمل، کردار	الأفعال	الفعل
نادان	الجَهال	الجاهل
صف، رديف، کلاس	الصفوف	الصف
دست، دسته	الأيدي	اليَد
دندان، دندانه	الأسنان	السنّ
سنگ	الأحجار	الحجر
بدن	الأجسام	الجسم
تنه	الجذوع	الجذع

ريشه	الجذور	الجذر
مهمان	الضيوف	الضيف
در	الأبواب	الباب
گوشت	اللحوم	اللحم
استخوان	العظام	العظم
بدی	الشُرور	الشَّرّ
اخلاق	الأخلاق	الخُلُق
گردشگر	السّياح	السّائح
راهنما، دليل	الأدِلّة	الدّلِيل
شکار	الفرائس	الفريسة
بال	الأجنحة	الجناح
دشمن	الأعداء	العدوّ
جوجه	الفرّاخ	الفرخ
یاد	الأذکار	الذّکر
پژوهش، تحقیق	الأبحاث	البَحْث

ترجمة عبارات مهم

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾: با یکتاپرستی به دین روی بیاور.

لا شَعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ: هیچ ملتى از ملّت‌های زمین نیست، مگر این که دینی و روشی برای عبادت داشته است. تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ: دلالت می‌کند بر این که آن (دینداری) در وجود او فطری است.

﴿أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾: آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

لَا تُسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ يَنْبَهُمْ: به مردم دشنام ندهید، زیرا دشمنی بین خود را به دست می‌آورید.

حُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نُقَادَ الْكَلَامِ: حق را از اهل باطل بگیرید و باطل را از اهل حق نگیرید. منتقدان سخن باشید.

وَ اَمَلًا الصَّدْرَ انْشِرَاحًا / وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ: سینه را از شادمانی و دهانم را با لبخندها پر کن.

وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي / وَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ: و موفقیت را بخت و بهره من در زندگی قرار ده.

وَ اَمَلًا الدُّنْيَا سَلَامًا / شَامِلًا كُلَّ الْجِهَاتِ: و دنیا را از صلحی دربرگیرنده همه جهت‌ها پر کن.

وَ اَحْمِنِي وَ اَحْمِ بِلَادِي / مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ: و من و کشورم را از بدی‌های حوادث حفظ کن.

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ: بی‌گمان بهترین نیکی، اخلاق نیکو است.

قواعد درس اول

معانی حروف مشبّهة بالفعل و الای نفی جنس

۱. حروف مشبّهة بالفعل: حروف پرکاربردی هستند که قبل از جمله اسمیه (مبتدا و خبر) می‌آیند. این حروف عبارت‌اند از: «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ»

هر یک از این حروف معنای خاصی دارند و معنی جمله را تغییر می‌دهند. **إِنَّ:** برای تأکید کل جمله می‌آید و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾: بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

«إِنَّ» در عربی خیلی پر کاربرد است و لزوماً همیشه ترجمه نمی‌شود؛ در آیه و حدیث البته باید ترجمه شود، مثل آیه فوق.

مثال إِنَّ مِنْ أَسْبَابِ نَجَاحِ التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ: از دلایل موفقیت من، توکل بر خدا است. (عدم ترجمه «إِنَّ»)

۲ **أَنَّ:** به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد.

مثال ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾: گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

«أَنَّ» می‌تواند با حرف جرّ «لِ» قبل از خود همراه شود (لِأَنَّ) که به معنای «زیرا، برای این‌که» است و در جواب «لِمَاذَا، لِمَ؟ چرا» می‌آید.

مثال لِمَاذَا مَا سَافَرْتَ بِالطَّائِرَةِ؟ - لِأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً. چرا با هواپیما سفر نکردی؟ - زیرا بلیت هواپیما گران است.

۱ «إِنَّ» در ابتدای جمله و «أَنَّ» در وسط جمله می‌آید.

۲ پس از حروف مشبّهة بالفعل نمی‌تواند مستقیماً فعل بیاید، پس از آن‌ها یا اسم می‌آید و یا حرف.

۳ پس از فعل «قَالَ» و مشتقات آن (یعنی امر و نهی و ...) از حرف «إِنَّ» استفاده می‌شود و «أَنَّ» نادرست است.

مثال ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾: بگو من مأمور شده‌ام که خدا را در حالی که دین را برای او خالص گردانیده‌ام، عبادت کنم.

۲ **اَنَّ:** برای شباهت بین دو چیز به کار می‌رود و به معنای «گویی، انگار، مثل این‌که، مانند» است.

نمونه سؤال‌های امتحانی

واژه‌شناسی

- تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتِهَا خَطًّا:
- ۱- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ. (شهریور ۹۹)
 - ۲- أَنْقَذَ إِبْرَاهِيمُ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (خرداد ۹۸)
 - ۳- شَعَائِرُهُ كَانَتْ حُرَافِيَّةً. (شهریور ۹۸)
 - ۴- أَنْقَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ. (دی ۹۸)
 - ۵- إِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. (خرداد ۹۹)
 - ۶- عَيْنَ الْمُتْرَادِفِ وَ الْمُتَضَادِّ:

(الصَّرَاع - الْأَصْدِقَاء - الظُّرُوف - التَّرَاع - الْأَعْدَاء - التَّرُول)

- الف) (..... =) (ب) (..... ≠)
- ۷- عَيْنَ الْمُتْرَادِفِ وَ الْمُتَضَادِّ: (شهریور ۹۹)

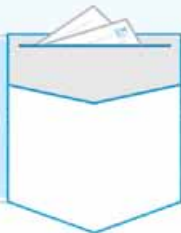
(الظُّهُور - الْحَنِيف - الصَّرَاع - الْمُنُور - الْمَوْحَد - السَّلْم)

- الف) (..... =) (ب) (..... ≠)
- ۸- عَيْنَ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ: (شهریور ۹۹)
- ۱) الْأَصْدِقَاء (۲) الْأَحْبَاء (۳) الْأَقْرِبَاء (۴) الْأَرْبَعَاء
- ۹- أَكْتَبَ جَمَعَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتِهَا خَطًّا:
- عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ. (دی ۹۸)

ترجمه

- تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:
- ۱۰- ﴿ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ﴾ (خرداد ۹۸)
 - ۱۱- ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. (خرداد ۹۸)
 - ۱۲- ﴿ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾ (شهریور ۹۸)
 - ۱۳- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ. (دی ۹۸)
 - ۱۴- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ. (خرداد ۹۹)
 - ۱۵- ﴿ أَيْحَسِبَ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى ﴾ (شهریور ۹۹)

درک مطلب



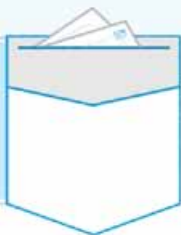
متن کوتاهی که در امتحان نهایی برای سنجش میزان درک مطلب می‌آید، غالباً از متن درس‌ها یا تمرین‌هایی هست که به همین منظور در کتاب آمده است. اگر هم متنی خارج از کتاب باشد از واژه‌هایی تشکیل شده که در سطح کتاب درسی است و به راحتی مفهوم آن قابل درک است. اما نکته‌ای که در این رابطه مطرح است، آشنایی دانش‌آموز با کلمات پرسشی است. گاهی پیش می‌آید که دانش‌آموز معنی (متی: چه وقت) را با (این: کجا) اشتباه می‌گیرد. به معنی کلمات پرسشی زیر دقت کنید.

معنی	کلمه پرسشی	معنی	کلمه پرسشی
کجا	أَيْنَ	آیا	هَلْ، أ
چه طور، چگونه	كَيْفَ	چه کسی، کیست	مَنْ
چه قدر، چند	كَمْ	از چه کسی	مِمَّنْ
برای چه، چرا	لِمَ / لِمَاذَا	چه چیزی، چیست	مَا
با چه چیزی	بِمَ	چه چیزی	مَاذَا
از چه چیزی	مِمَّ	چه وقت	مَتَى

مثال به پرسش‌ها و پاسخ‌های زیر دقت کنید.

مَنْ هُوَ سَائِقُ الْحَافِلَةِ؟ - السَّيِّدُ حُسَيْنِي
رانندهٔ اتوبوس کیست؟ - آقای حسینی

آزمونها



آزمون (۱) نوبت اول

المهارة الأولى: المفردات

- (۱ نمره) الف. تَرَجِّمِ المفردات التي أُشير إليها بخطّ:
- ۱- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ.
 - ۲- عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبُدَ.
 - ۳- لَقَدْ اِشْتَقَى أَبُو كَمَا إِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.
 - ۴- تَخْرُجُ قَطْرَاتُ الْمَاءِ مِنْ فَمِهَا مُتْنَالِيَةً.
- (۱ نمره) ب. عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ:

السَّعْيِ - السَّلْمِ - الْخَيْمَةَ - الْمُحَاوَلَةَ - الْعَظْمَ - الصَّرَاعَ

BOOK BANK

- ۵- =
ج. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ:
- (۲۵/۰ نمره) ۷- (۱) الرُّؤُوس (۲) الْأَكْتَفِ (۳) الشَّلَال (۴) الْأَسْنَانَ
- ۸- أَكْتُبْ جَمْعَ «الْقَمَّةِ»:

المهارة الثانية: الترجمة

- (۵/۴ نمره) د. تَرَجِّمِ الْجُمْلَ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:
- ۹- إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.
 - ۱۰- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقُرَابِينِ لِلْإِلَهِيَّةِ كَسَبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.
 - ۱۱- أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.



- ۱- شکست
- ۲- بُت‌ها
- ۳- مراسم، مناسک
- ۴- نجات داد
- ۵- مایهٔ تباهی
- ۶- الصِّراع = النَّزاع
- ۷- الحَنيف = المَوْحِد
- ۸- الأُرْبَعاء (چهارشنبه)
- ۹- اُكْتاف

الأَصْدِقَاء ≠ الأَعْدَاء
الصِّراع ≠ السِّلْم

- ۱۰- هیچ علمی نداریم جز آن چه به ما آموخته‌ای.
- ۱۱- سپس تیر را بر دوش او آویخت و معبد را ترک کرد.
- ۱۲- و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.
- ۱۳- گویی راضی کردن همهٔ مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.
- ۱۴- هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نشود، هیچ برکتی در آن نیست.
- ۱۵- آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟!

BOOK BANK

پاسخ آزمون (۱) نوبت اول

- ۱- سرگذشت، روش و کردار
- ۲- تبر
- ۳- مشتاق شد
- ۴- پی در پی
- ۵- السَّعْيُ = المَحَاوَلَةُ (تلاش کردن)
- ۶- السَّلْمُ (صلح) ≠ الصَّرَاعُ (کشمکش، درگیری)
- ۷- **گزینه ۳** - (معنی گزینه‌ها به ترتیب: سرها، شانه‌ها، آبشار، دندان‌ها)
- ۸- الْقِمَمَ (قله‌ها)
- ۹- این خرافات در گذر زمان در دین‌های مردم زیاد شد.
- ۱۰- هدف از پیشکش کردن قربانی‌ها به خدایان، به دست آوردن رضایتشان و دوری از شرّ آن‌ها بود.
- ۱۱- خداوند پیامبران را به سوی آن‌ها فرستاد تا راه راست را بیان کنند.